

# شعله حاوید

ناشر: انجمن علمی و معارفی ایران

شماره سوم پنجشنبه ۲۹ حمل ۱۳۴۷ هـ - ۱۸ اپریل ۱۹۶۸ ع

دکتر هادی محمودی

## ورشکستگی راه رشد غیر سرمایه

دا دی در هند

همیشه بر آوردن و واحد امکان ناپایان  
سابق طبقات سرمایه داران زمینداران  
بزرگ هندی بوده است. در چنین  
شواهدی برخی از به اصطلاح  
عزیزان، مندی برای پیشرفت  
و نامی مند، بر تانهای طرح ریختند  
که با حمایت آزادی بی توان راه رشد  
غیر سرمایه داری خواهد بود. آن‌ها  
بی گفتند، در وضع کنونی مند، لازم  
نیست مبارزه بی تیر و قاطع علیه  
حزب کانگریس ملی بعمل آید. بلکه  
می توان چنان شرایطی ایجاد نمود  
که از یکسو بر مبنای تقوی سکتور  
دولتی، از نخود اقتصادی (و در نتیجه  
سیاسی) انگریزانیست های خارجی  
و هم چنان از رشد سرمایه داری  
خصوصی داخلی مند جلو گرفته و  
باید تشویق آزادی اقتصادی و سیاسی  
کامیابی برای کشور ناپایان کرد و از  
سوی دیگر موانع مانع از تحرکات ناپایان  
در زمینه اقتصادی، فعالیت نموده  
را در راه های مبارزات پارلمانی و  
مساومات آسین سوق داده و از راه  
محصول اکثریت های پارلمانی به  
ایجاد حکومت دموکراسی ملی تحقق  
بخشید. آن‌ها مدعی بودند، که برنامه  
ایشان بصادر نظر گرفتن شرایط  
منسحق مند و تحرکات عمیق جهان  
کنونی طرح شده و دور از تهمید و کینه  
انگری بوده و چیزی خلاف وابستگی است  
آن‌ها بی گفتند، نباید سیاست مترقی  
حکومت ناپایان را نظر دور داشت،  
نباید نقش توان ناپایان جهان بی  
را که هر دو رویه تغییر، نقش خفیه است  
نازیده گرفت و نباید عوامل اقتصادی  
ایجاد حکومت دموکراسی ملی در هند  
کم بیا داد از آنجا که محک هر نظریه  
و قرارداد، عمل و تجربه است، اگر  
عمل و تجربه ناپایان ببار آورد که  
صحت ادعای را ناپایان کند آنگاه  
بی توان ادعای مذکور را علمی خواند  
و پذیرفت والا خیر.

نخبره بیست ساله هند چگونه بوده  
است؟  
سکتور دولتی در اقتصاد هند  
رشد بی نظیری یافته، سرمایه مالی  
و موسساتی که در سکتور دولتی حصه  
دارند، تقریباً نصف سرمایه مالی  
تمام موسسات هندی را در بر میگیرد  
قرار احصایه های حکومت هند،  
در ظرف هشت سال، از سال مالی  
۵۷-۱۹۵۶ تا سال ۶۵-۱۹۶۶ تعداد  
سوسساتی که در بخش عمده  
شامل اند از هفتاد و چهار به ۱۸۲  
باقی آمده

بسی از پیشرفت سال است که  
رشد آزادی سیاسی خود را بدست  
آورده اند. حزب کانگریس ملی که  
در دوران ناپایان آزادیخواهی ملی  
بسی از سایر احزاب سیاسی در هند  
فعالیت و نفوذ داشت، پس از آزادی  
حاکمیت دولتی زود از اختیار ناپایان  
گرفت. در اوایل از آنجا که هند  
لکه های سیاه استعمار نوم را هنوز  
بر چهره خود احساس می کرد دولت  
پایان، سیاست اقتصادی باالترتیب  
معدنی و بازرگانی در دست  
های نظامی و دولت بود. بطور فسی  
اختیار کرد و با استقرار خارجی  
برداشت، با تالیف و جهت اصلاح  
سیاست

### قهر مانان فنا پذیرند

سازنده، سال پیش از این (۲۱ حمل ۱۳۲۱) در اثر مداخله دولت  
در انتخابات پارلمانی اردو حسی از روشنفکران، محصولات پسو مختار  
و دیگران در اردو، به پیوسته و شور و هیجان فایده دست به  
مطالعه زدند. زیرا طبقه حاکمه نمی خواست دستور معدوم و عمده  
دولتی از ناپایان که در اردو پارلمانی مشابه آنه اندای طبقه  
سازنده کار می کردند، در پارلمان شرکت داشته باشند.  
اگر چه این جنبش دیوانه و بی پایه و اساس استواران از جناح سرگوب  
مندی ملی ناپایان بر اذهان مردم ما با تیری است ورم انگیز، عظیم  
تأثیر پای

جریده شعاع جاوید که سنن پرانتاز نظامی مسلح افغانستان  
و خاندان سران جهان را بدیده بزرگداشت می نکرد میتواند بسا  
این نوشته کاربرد آن جنبش ارزنده و پیشاهنگ فقیه آن دکتور  
مندی را که در سران زد کیم سیاسی خویش در راه کشتن  
اندیشهای پیشرو و متشکل ساختن نیرو های مترقی افغانستان تلاش  
کرد و مانند شعله فرو می کشی راهمندی سرانمان و هر زمان خود  
برده در اذهان مردم ما زنده سازد.

حق افغانستان هیچگاه نخواهد گذشت که تسخیر سرمایه  
انگیزگی بگراید زاین دست کشتن طبیعی ستم گشایان است این کشتن  
نیرو با رجوع به آنها و تسخیرهای افسر پستی و سردار کمر آن  
نبرد را بسوی جلو بسوی افق سرخ پیروزی و رهایی خلق با می کشاند.  
بگذار بیکار، های پرافتخار آزاده کان پیشین سهام بخش مبارزان  
انروز باشد.  
درود بسر سرانمان راه آزادی، در ود بر مصدق فقیه فرزند  
نورمان خلق افغانستان

باید از آن اصل فریادی بر روی کشیم، که آموزش و پرورش را در  
خدمت سیاست پرده بی قرار داده و با کار تولیدی مردم بی آمیزد. در  
مکتب و مدارس مختلف با بی تیری تمام پروگرامی را تجویز کنیم، که  
ادانش برز مان امکان یابند خود را از نظر اخلاقی، معرفت و جسمانی  
رشد و تکامل دهند و به دستگشان با خدمات و دارای آگاهی اندیشه  
های پیشرو تبدیل گردند.

## بیکار با فرهنگ ملاکی

و نیمه استعماری

روزه و گرفتار سر طبقه اهر زمین  
ممرات فروت، که بوری است که  
انضاد آن در سبب زبان بخش و نا  
مالی سیر بی دردی که بوری است  
که در زمینه تولید، بخش آموزش  
پرورش و خلاقیت علمی و هنری  
سالها از سطح جهانی عقب مانده  
است.  
در چنین نسو ر دستگاه  
پسوسینه با انگار تا که  
نی تواند شرایط ناپایان رشد سریع  
اقتصادی را فراهم آورد نیرزی رایج  
داری بنای یک فرهنگ شکو فان  
را نیز ندارد.  
در کشور ما طبقات و طبقاتی از  
فرا ارتقا دادن ضرورت دارد در ارتقا  
های مکتب و موسسات و اصطلاح  
علمی پروری ضرورت دارد و در ارتقا  
علمی پروری ضرورت دارد و در ارتقا

جها نیرزی علمی بسا می آسوزد  
که فرهنگ پندیده ای است طبقاتی  
رود واقع فرهنگ که مانوق طبقات و  
چند از سیاست باشد وجود ندارد  
و از اینرو هر طبقه ای که بر عهده  
قارت سیاسی نیکه میزند در شک  
خویش را که انعکاس دهنده آرمنها  
ویاسد از مفاخر اوست با اسالیب  
سویه های گوناگون ترویج و ترویج  
می بخشد.  
طبقات حاکمه در هیچ بخش  
انسانند که فرهنگ عمومی و پیشرو  
در دست بوده عا اصلاح نسیم  
افزینی است که زمینه را برای  
رئوع پرورش استعداد بنیادی و  
عینی اندام می سازد از اینجا است  
که فرهنگ نیرزی ضرورت دارد در  
سخت و ورش نیرزی نیرزی  
طبقات بهره اسی و پایه سندهای  
و سردمداران جهان فون ویاسد توان  
و نظامی فروت و زوال یافته رو  
بر و شده است زیرا انسان در این  
فرهنگ سیمای شکست با بدیسو  
ترویج دشمن طبقاتی ترویج را سنی  
پیشنند.

طبقه حاکمه کشور ما در نیرزی  
سو کند خورده اندیشه های پیشرو  
و مخالف آن مبنی تا پذیر بلند رفتن  
سطح آندی سیاسی مردم است  
فرهنگ نازیب زد و نیرزی و نظامی  
خویش را با دستهای و چیل بر مردم  
محمول می کند برضه نای تا که در  
زمینه اقتصادی از دادن نایزاد  
تنگین و اسارت باز و انگریزانیست  
ما و نایزاد روان نیرزی آنها بورداری  
نکرده اند فرهنگ کشور را نیز  
بسیار آنان سیرده است.  
کشور های انگریزانیستی و  
مخالفین استعمار نیرزی نیرزی از  
آنجا بی که از او چیزی جنبش های  
نجات بخش ملی و تجلی اراده مردم  
مردم دایره در بخش و کسفر شی  
این فرهنگ زهر آکین نایش می  
ورزند زیرا برای تا را چگری آنها  
منحیط مساعده ایجاد می کند.  
طبقه حاکمه کشور ما سخت در

تلاش است تا با هیبت یو سیاه و  
منطق فرهنگ خویش را در پرد  
سالوس وریا ببو شاند و بلسند  
گویان و سازمانهای نشراتی و ایسته  
پدولت از بسط و توسعه دانش از  
معارف متوازن، از شیوه آموزش  
پرورش مترقی و از انکشافات علمی  
و هنری سخن می رانند ولی تلاش  
آنان تلاشی است ناکام و مذبحخانه  
که به شکست و رسوایی می انجامد  
زیر واقعیت های عینی بی تیر نیست  
که افغانستان کشوری است استعمار

### انجیر محمد عثمان انعکاس اندیشه‌های زهر آگین

#### در جریانات سیاسی

در نیمه اول قرن بیستم دست بعد از نخستین جنگ جهانی یعنی آنکه که کمپریالیست های فرانسه وانگلیس در زیر بارقروض انجیرالیسم امریکا خم گردیده و نازده این کشور تمام خود را بهیچتین ریزر گترین کشور سرمایه داری تمییت میکرد استعمار کپرس که عسنة ضد آن در کشور رعای عقب مانده رو بوقت بود واستعمار گران کپن را در آتش خود میسوخت رو به زوال رفت تا آنکه در مین جنگ جهانی کلیم استعمارکپن رادرفسنت اعظم دنیا درسم چیدولی از آنجا که همرتجین به اختیار خود از ستیز تاریخ کنار نمیروندونو آخرین مرحله ساطور قصابی را از دست نمیکندارند وبودانمیشوند استعمارکپن قیافه خود را با آب ورتک نازه تری مکیاز کرد وبشکل استعمار نو در صحنه ملی عقب مانده ظاهر شد یعنی در واقع طبق ضرب المثل قدیمی ما شستیر را از کف نهادند ونه ویر را بدست گرفتند شیوه عمل استعمار نوین در طریق کمکهای بلاعوض (۱) ودوستی ها ومنافع متقابل (!) تجلی میکنند اما اینجا بینش ژرف و عمسه جانبی در کار است تا مشاعده نماید که منافع متقابل بین ظالم ومظلوم یعنی استعمار اخیرالذکر بر چه منوال است بیبینیم فرضیه استعمارنویعی چس ؟

ممالک بزرگ امپریالیستی برای جلوگیری از بحران داخلی خویش ناکزیر از صدور سرمایه وتاسیس مؤسسات تجاری در سایرکشور ها عسنتند زیرا از نخستین جنگ جهانی بدینسو سرمایه داری بین المللی ودر رأس آن سرمایه داری امریکا بدست شرکت های انحصاری (کارتل ونر است) متمرکز گردیده است لذا دنیای سرمایه داری امریکا بدست دنیای سرمایه داری ناگزیر است تا برای جلوگیری از حاد شدن تضاد کار وسرمایه در کشور خویش از یکسو وسر ازیر نمودن ثروت سرشار کشور های عقب مانده به کیسه سرمایه داران وتاسیس یک بازار دائم التوسعه از سوی دیگر عساله مواد خام بده کالای صنعتی بکیر ، رابحیت شعار روز خودفروار دهند .

بعداز جنگ جهانی دوم پردعن دریده استعمار کپن در جابه یک میمون شیناد بااسماء والعاب فریبنده ماندها ، دومینیون ها ، کامنولت ها وبالاخره کمک (!) به کشور های باصطلاح کم رشد تظواهر کردند و آنانیکه تا دیروز برای تسکین اشتباهی کاذب خویش جهان را به نوب وخیاره بسته بودند نقاب دایه مهربانتر از مادر به او گرفتند تازه وقتی کار مانده ها و دو مینیون ها نیز به رسوایی واقتضاح کشید

### دکتر عبدالله محمودی جنگ پیر وزمندانه خلق ویتنام

بیست و عشت سال قبل خلق ویتنام به مبارزه فیرمانانه علیه امپریالیسم دست زد ، نه در نتیجه در سال ۱۶۵۲ سلطه استعمار بران فرانسوی را در خاک خود بر انداخت و بر اساس نفوس ریزر صلح در اج بر سر سه سیرن بدستنه بود نه اسپرست های امپریالیستی به پناه ست های نظامی وانقضای بندزیج جای استعمار بران فرانسوی را اسود نمودند . امپریالیست های امریکا بی به منصور نخبیم زریس نمودین دیم مشورین نظامی خود را به ویتنام فرستادند واردزی مزدور را تاسیس کردند . بعدا ویتنام جنو بی را بعضویت پیمان سیانو نه در سال ۱۶۵۲ تاسیس شده بود دراورده نه این اقدامات مخالف روحیه موافقت نامه های زنیو بود . عسجتین موافقت نامه ریزو - حالیت استعمار کپن را در ویتنام پایان دادوحو حالیت استعلال ، وحدت و یلذچلی ویتنام را برسیت شناخت ، شدها درمعاوله ذکر گردیده بود نه بناریخ ۲۰ جولای ۱۶۵۱ بسنخور وحدت دوباره و مسالمت امیز خلق ویتنام انتخابات آزاد و عمومی در سراسر ویتنام صورت گیرد ولی حکومت دست نشاندۀ امریکا در ویتنام جنو بی باین موافقت نامه وضع نگشدست با همکاری امریکا علیه منافع خلق ویتنام عمل نرد . در پنج سال اول پس از معاوله نامه ریوخلو ویتنام بمنظور بامین وحدت واستقلال دست به مبارزه مسالمت آمیز زدنولی ارتجاع آنها را مجبور ساخت راه انقلاب اکتس یعنی راه مبارزه مسلحانه را در پیش گیرند . اتحاد نیرو های دیمو کراتیک بیک ضرورت تاریخی مبدل شد بناءا جنبه آزادی منلی ویتنام بوجود آمده نه روز علیه ارتجاع داخلی وامپریالیسم امریکا به پیکار مقدسی مشغول است .

مناطق آزاد شده زندگی میکنند چیه آزادی ویتنام در طول هفت سال چند عادلانه صد امپریالیستی ۱۶ میلیون نفر از عسار دشمن را تا بود سرده نه در ان جمله ۳۰۰۰۰ نفر امریکایی شامل عسنتند ، ۸۵۶۰ فروند هوا پیمای ، ۱۵۸۳۵ عراده و وسایط نظامی را نابود و ۴۶۱۲ کشتی جنگی را عرق و ۴۷۵۴ پاشگاه دشمن را بنی پیل و ۱۲۰۲ پل را منفجر نموده اند . موج انقلاب در ویتنام جنوبی در سال ۱۶۶۷ وارد مرحله نوینی شد چنانکه این سال برای امریکا سال شکست و یاس در ویتنام ، سال بحران دائمی وحدت شدن مبارزه طبقاتی در امریکا بود ، جنگ ویتنام ومصروف عتقت نظامی ان فشار بزرگی از حیث بلند رفتن نکس ها عتس عواید طبقه کارر بلای طبقات محروم وزحمتکش وارد نمود نه در نتیجه در بیش از ۱۰۰ شهر امریکا چندین میلیون نفر در مبارزه ضد سیاست تجاوری حکومت امپریالیستی امریکا شرکت کردند ولی بر عکس همین سال برای خلق ویتنام سال پیروزی و موفقیت بود چنانکه درین سال ۳۶۵۰۰۰ نفر عساکر دشمن که منجمله ۷۰۰۰ نفر آن امریکایی بودند ۸۵۰۰ عراده و وسایط نظامی ، ۲۲۰۰ فروند هوا پیمای و ۲۰۰ کشتی نظامی دشمن را نابود کردند سال جاری نیز سال پیروزی خلق ویتنام و شکست امپریالیست ها ودنباله روانشان می باشد چنانچه در ذوماه اول سال ۱۶۶۸ نود هزار نفر عسکر دشمن توسط ویتکانکها کشته ویا اسیر شدند که از جمله ۲۰۰۰۰ نفر امریکایی بود بر علاوه آن ۲۰۰ نفر عساکر دشمن به ویتکانکها تسلیم شدند ، ۱۸۰۰ فروند هوا پیمای و ۱۳۰۰ عراده وسایط دگر نابود شدند و ۹۰ کشتی جنگی دشمن غرق شد .

جنبه آزادی مرکب از سه حزب انقلابیون ملی ، سوسیالیست رادیکال و دیموکرات می باشد - بر علاوه تعداد زیادی از سازمانهای کارگری و دهقانی وانجمن های مذهبی که مجموع شان به ۳۰ سازمان میرسد در جنبه آزادی ملی اشتراک دارند هدف جنبه برانداختن سلطه امریکا از ویتنام و تاسیس دولت مستقل ملی است که بتواند عقب ماندگی را که خود میراث استعمار است هر چه سریعتر از بین ببرد . جنبه آزادی ملی که از ۱۴ میلیون خلق کشور نمایندگی میکند جدا مضم است تا پیروزی نهایی بجنگد . چنانچه از شروع جنگ عادلانه ضد امپریالیستی خود از جمله ۱۷۰۰۰۰ کیلو متر مربع مساحه خاک ویتنام جنو بی ۵۰۰۰ حمله آنرا از دشمن رها ساخته و هم اکنون ۲۳۰۰ نفوس کشور در

مدتها ست که امپریالیسم امریکا در سرزمین ویتنام بزرگوار خود در آمده متحدین ودنباله روان خود را بکمک می طلبد ولی هیچ نیروی نتوانسته که از شکست حتمی آنها در آنجا جلوگیری نماید نه متحدین ودنباله روانش و نه بیب های توکیسک (زهری) ، نه اسلحه مدرن و نه دالر امریکائی .

سوالی بمان میاید که علت چیست ، بزرگترین قدرت امپریالیستی قرن بیست با وجود کمک یا روان در مقابل کشور کوچکی که دارای ۱۴ میلیون نفوس می باشد به زانو درمیاید ؟

(۱) علت اول آنست که جنگ امریکا در ویتنام جنگ عساکر عدا لانه است که بر ضد حق حاکمیت ملی وحقوق دیموکراتیک درص

در سالهای اخیر که انحرافات تاسف آوری چون علف های غرزه در بوستان اید یالوزی مترقی جوانه زد وبدعتران آن مبارزه طبقاتی در مقیاس بین المللی دست به رقابت اقتصادی مسالمت آمیز با سرمایه داری زد نه ( که بازار این رقابت بالطبع کشور های عقب مانده است) دیگر ریفورم های صد درصد ارتجاعی در قالب اید یالوزی مترقی چارده شد که دنباله روان منحرف آن به مدا فعین استعمار نوین تغییر شکل دادند . این معامله تران سیاسی عصر ما بدون در نظر گرفتن ماهیت طبقاتی و دولت نسخه یک روش اقتصادی بر و کراتیک نیمه استعماری را بنام باصطلاح راه رشد غیر سرمایه داری به کشور های عقب مانده تجویز کردند تا بجاییکه مرتجع ترین حکومت ها و جریان های مربوط بدستگاه حاکم این نسخه را دست بدست کردند و در مرانامه های خود چارزدند ولی تجویز کنندگان منحرف آن با ایقان به اینکه طبقه حاکمه کشور های عقب مانده را مملک بروکرات وتاجر بروکرات تشکیل میدهد و تقویه باصطلاح سکتور دولتی نه تنها از تاسیس یک اقتصاد سالم ملی جلوگیری میکند بلکه خود موجب پیدایش یک سرمایه داری بروکراتیک میشود برای اغفال توده ها واستحکام بنیاد طبقاتی درص ۳

### انعکاس اندیشه های زهر آگین در جریانات سیاسی

دستگاه حاکمه پیرامون اقتصاد و سیاست کشور ما چنین رجز خوانی میکنند :  
به موجب وظایف جدید اقتصادی که دولت افغانستان در سو مین برنامه ۵ ساله مقرر نموده است قرار است در زمینه سرمایه گذاری تغییرات بنیانی صورت داده شود ...

در سو مین بر نامه پنجم تولیدات صنعتی با سرعت زیاد پیشرفت خواهد نمود حجم مجموع محصولات صنعتی با سرعت زیادی پیشرفت خواهد نمود حجم مجموع محصولات صنعتی باید طرف پنجمال ۹۰ ، ۲ برابر گردد قدرت کارخانجات برق یک برابر و نیم افزونتر میگردد.  
در سال ۱۳۵۰ یعنی در آخرین سال سومین برنامه پنجمسال ۵ ، ۲ برابر سال ۴۵ نیروی برق تولید خواهد شد ...

... طرف پنجمسال ۲۸۰ مدرسه افتتاح خواهد شد وعده دانش آموزان دبیرستان هایه ۶۸۰ هزار نفر خواهد رسید. عده دانشجویان دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی طرف پنجمسال ۳۸ در صد افزایش خواهد یافت.

حقایقی که در اینجا ذکر شد گواه آنست که سو مین بر نامه پنجمسال به معنای ورود افغانستان به مرحله جدید بسط و توسعه اقتصاد ملی و پیشرفت جدید اجتماعی میباشد .

در حالیکه نکاهی کوتاه به منابع مالی موجود در کشور و وابستگی بیشتر ما را به امپریالیسم و مداخلین استعمار نوین نشان میدهد ، کندی شرم آور رشد فرهنگ اصلا ارزش بحث و گفتگو را ندارد . سر انجام این تبلیغات همراه کننده نتایج آتی را نیز بدینال دارد .

۱- برای مرتجعین کشورهای عقب مانده و حکومت های ضد ملی ایشان وسیله بیست برای برپا کردن کرد باد تبلیغ و پرو پاندا به خاطر تحکیم و حفظ منافع خویش و سرکوب نمودن خواسته های اساسی مردم محروم کشور خود به وسیله این آسپرین بایری که ظاهرا مسکن کلیه درد هاست .

۲) تأیید اصلاحات نیمکاره و نیم بند حکومت های ضد ملی ، تو سط جریان های به اصطلاح سیاسی این کشور ها که زیر تاثیر همجواری افراط آگاهانه و یا غیر آگاهانه به طبقات فاسد و ارتجاعی کشور خود خوش رقصی میکنند ولی ما انداز قامت این معامله گران سیاسی را در هر جامه که بپوشند نمی شناسیم و خنای شان نزد مارتنک باخته است.

بهر صورت این عوامل استعماری و اندیشه های زهر آگین به علت اینکه در ترکیب طبقاتی کشور های عقب مانده مؤثر اند در بوجود آوردن جریان های گوناگون با اصطلاح

سیاسی نیز که بالطبع صیغه طبقاتی دارد اثر میکند حتی جریان های معلول نظریات مداخلین استعمار نوین است با ماسک جریان های مترقی (!) موقیمت خود را تثبیت میکند و این روی صحنه می آیند ولی در سمت خود مقتضی آنست که امپریالیست

### جنگ بیروز ماندانه خلق ویتنام

خلق بخش جنوبی ویتنام جریان دارد و مخالف جهت جریان تاریخ است . (۲) خلق بخش جنوبی ویتنام که بدور جبهه آزادی ملی گرد آمده اند وجبهه بزرگ و وسیعی که اکثریت اعظم خلق را بر اساس یک برنامه معقول و منطقی متحد ساخته است بوسیله جنگ انقلابی و عادلانه با جنگ تجاوزی ضلنا انقلابی و غیر عادلانه امپریالیست های امریکا مقابله میکنند ، جنگ انقلابی که بر اساس احساسات عالی ناسیونالیستی ، دیموکراسی ، طلبی و روحیه انقلابی تسلیم تا پذیرای خلق متکی است . خلقی که هیچگاه حتی در مقابل وحشیانه ترین حملات و تعدی دشمن عقب نشینی نمیکند .

(۳) خلق بخش جنوبی ویتنام با درک قوانین استعمار نوین و قانون بندی جنگ عا دلانه مشی درستی را اتخاذ نموده ، انواع مختلف مبارزه را در هم آمیخته و بکار میبرند و نقشه های تجاوزی دشمنان را خنثی میسازند ، بیروزی خلق ویتنام این حقیقت را ثابت میسازد که :

**دو عصر کنونی ما یک ملت هستیم چند کویک و ضعیف باشد همینکه متحد گردید ، قیام کرد و آماده فداکاری در راه او ما نسا و اهداف خود شد و بایک خط مشی سیاسی صحیح بیکار نمود هیچ قدرت امپریالیستی در جهان حتی امپریالیسم امریکا پس آن غلبه یافته نمیتواند .**

در این اواخر امپریالیست های امریکا اعلام کردند که تجاوز خود را به ویتنام شمالی محدود ترسازند ولی بعضی محافل مداح جهان به اصطلاح آزاد و مدافعین استعمار نوین این عمل را بمنابه نیت خیر

خواهانه امپریالیست های امریکا تلقی کردند - ولی خلفای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین مسلمأ میدانند که امپریالیسم هر نقابیری که بر چهره کشد هرگز طبیعت متجاوز و جنگ افروزانه خود را تغییر نمیدهد ولو این عقب نشینی موقتی بمنظور کاهش بحران دالر ویا به منظور استفاده جونی در انتخابات ریاست جمهوری باشد .

سر انجام خلق ویتنام پیروز میشوند زیرا نه تنها از حسابت بیش از هزار میلیون نفوس بشریت مترقی و خلقهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین بر خوردار است بلکه طبقه کارگر و زحمتکشانشان کشور های سرمایه داری نیز پشتیبان

زهر آگین و استعمار باشد . هر کسی در برابر خلق قد علم کند ، بدست خلق سرنگون خواهد شد ، هر کسی در جهت مخالف رفته تاریخ حرکت کند ، بدون تردید روند تاریخ او را نابود خواهد کرد .

#### محمد هاشم (زمانی)

#### دزمانی تغییر

خنخیر دظلم شی پیری مظلومان آزاد و پدی خنخیر دظلم ظالمان بسند یا نوی تغییر د و خست پید اشته زمانه رنگ بد لوی ظالم و رکی به لاس کبسی غریبان شادان نوی دظلم خنخیر زنگ شه دظالم جسادو ما تپیری اوس خونه دجادو همه اخوران ویرا نوی تغییر زمانی دی چه دارنگ کوی کارونه وخت بل شه نغمه بله مظلومان فرحان نوی دمورد تغییر نه وپما شومان دانشان به آواز گری چه می دشی ظالم چه عا جزا ن پریشا نوی زا ره مطر بان قول آهنگ ساز خیل بد لوی وخت بل زمانه نوی سطر بان اعلانی نوی د زو و مطر بد ساز آواز و میا نغمه و ر کیری مطر بنوی سرود په بنه هیجان روانوی تغییر زمانی دی هو بنیاره پدی پوه شه د ژوند لوی آواز شه هو شیاران حیرانوی بدل زمانی رنگ کره ارمغان نوی را ورف افغان به ژوند خیر شه طالمان گریا نوی

ها و مدافعین استعمار نوین از صحنه ملل مظلوم تجرید و بکلی طرد کردند نه اینکه به ایشان فرصت مصالحه و سازشکاری داده شود وضع مساعد کنونی ( مبارزات خروشان خلق های ستم دیده بر ضد بهره کشان ) یگانه معیار تشخیص جریان مترقی از غیر مترقی است جریانی که بطور صمیمانه و جدی ( در عمل و نظر ) از جنبش های آزادی بخش ملی ملل آسیا افریقا ، امریکای لاتین و همچنان از تشدید تضاد کار و سرمایه در کشورهای امپریالیستی قاطعانه پشتیبانی کند و آنرا خطری برای صلح جهان ندانسته بلکه امری برای رهایی خلق ها از قید اسارت و بردگی تلقی کند مترقی است در غیر آن جریانی وجود ندارد مگر آنکه عمال و ایادی امپریالیسم ، مدافعین استعمار نوین و ارتجاع باشد و تفکری یافته نمیشود مگر آنکه انعکاس اندیشه های زهر آگین و استعمار باشد .

هر کسی در برابر خلق قد علم کند ، بدست خلق سرنگون خواهد شد ، هر کسی در جهت مخالف رفته تاریخ حرکت کند ، بدون تردید روند تاریخ او را نابود خواهد کرد .

# موزون جامعی دانش طبقاتی

## بیمکار بافر هنگ ملاکی و نیمه...

نقد و منقحی از جانب و لاطاللات را در هر عین اوزان می نماید.  
 در کشور ما سیاهی استبداد پرستان و استبداد در هر مرتبه  
 معساکه حکم ملی نیز پیدا می کند پس سوره را به پیش از مردم  
 حاکم می دیند و سواد را به زبان می خواند و سوره را به پیش از مردم  
 در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما  
 می باید چون طبقه حاکمه استبداد پرستان است و سوره را به پیش از مردم  
 در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما  
 افادته ای مطابق با مقتضیات ریشه نشود و در روز نایب ما و چو این  
 کشور پر از نایب ما و چو این در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما  
 و پیش از نایب ما و چو این در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما

روایتی بود که  
 از طرفی دیگر، فاسد میوه متراشه سیاسی جو فکری از به  
 بعضی اوقات کسی که مستحضر شریک لایق می شود در جمهوری  
 لولای می به حساب به حساب می و در پی  
 دهر او مانی مستعد و سولید خردنگی و مملکت خردنگ طبقاتی  
 چه به زنجیر، ایده زنجیر او از نایل و نایل نوری  
 در زنجیر عیبه به غیر از نیت از در لایق هیچ زمانه در نایل زور  
 می عموما به نیمه استبدادی سنانگر کی از نایب ما و چو این در روز نایب ما  
 ملائیم او در متن سوره شعری دعوی به حاکمیت نایب ما و چو این در روز نایب ما  
 نیمه زنجیران که به نایب ما و چو این در روز نایب ما و چو این در روز نایب ما  
 ایندانی و سایر چیزین در سینه  
 زنی زود یواخی در خون سرا مستعد  
 کار او تولید حبه نایب ری او شا  
 طیفه زور و جمعیت نریا به سوا  
 می زبان بر حبه مشکلیوی زور  
 لندی بزبان مشکلیوی از حربه  
 در تولید سوره ملاکی ده بر حبه حقیقت  
 سره در تولید اساسی قدرت او  
 در دارائی اصلی مولد به مملکت کی  
 دا طیفه ده داستیماز کره احضاری  
 او اجتماعی گفته زور نکی پشه در  
 بز کره به با فو ته او زور زلاوه در  
 او دجامی در زود حرخ در حیل به  
 هر دور کی در دوی بر بد پختنیز نور  
 هم زیاتوی در تحلیل به آفرینگی کی  
 دنیا لیانو هر رنگ در روند بار به  
 مستقیم یا غیر مستقیم زور در دوی  
 به آوزر بار پیری در دانشا دی او  
 اجتماع از منی وضعیت به بدلون  
 دا طیفه خورا همه قدرت مشکلیوی  
 هر یوه جریان به زور دسیواد  
 دنوی کر لو دلمی نگر پر اساس  
 غو سینه نکی دی باید در لرو ملتی  
 اهمیت دمخ کی ذکر شوی طرف در  
 رسیدن در پاره چندی به نظر کی  
 ونیسی  
 له پورته حقا یقین نه دا خر کنند پیری  
 چه در یو واقعی دو کر می تأمینزل  
 زور در دصیر بیشتر دان بیشتر بر  
 اساس چه در امیر یلیزم در زوال  
 عصر دی ( نفع جریان چه غولوی  
 خلك ته خد سب و گری باید به  
 زنجیر و پیش آنگ که به بیست نیمه  
 زنجیران او بزگوان در منصفه او عبده  
 قدرت نردی زنجیر نه او خرد سبطه  
 طیفه در زنجیر و منصفه در سب به حیر  
 تکیه و گری او به مشخصه شرا یطو  
 کی و کولای شی به در سلسله طبقی  
 لندی تشیر زنجیری لاندی را  
 وری تر خو چه در خلك پس دینین  
 باندی بر یالی شی

### «مختراب» باختری

## رقص آتش

من ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 من ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 «نه سوزیدان نیاسته این سیاهی وین نسوزد»  
 «نار در پایه نایل نوری او زود سوزید»  
 «سوزیدان شب از زود سوزید»  
 «زود فریاد این نار نیکو تلخ و زور در نما»  
 «براید اندک سحر از حاور»

من ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 من ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 که از حیا ده این شعله بوی خشم خیزانم  
 شکوفا تر گل خونین رسا خیز خیزانم  
 و زمین گل سیه آذای سوزید و سوزید  
 طنین نوره پیکار سوزیدان دو دل صغری و غری اوز  
 صافی مرگ دژ غم است

من ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 که این حیا سه در رقص آتش و غو نه است  
 سخی کوسل از خون ماکل زود سوزید  
 پلوه بیگی خونین نایل سوزیدان سوزیدان سوزید  
 شوق در شعله سوزیدان و زود سوزید و سوزید

من ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 که هر که در زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 بیایم سوزیدان زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 چه بنگ از حرکت زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 زود سوزیدان زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 زود سوزیدان زود سوزیدان و زود سوزیدان

تو ای مهر رزم و مهر زنجیر و چشم سحر خیزانم  
 که : چه چون داده اندک شکوفا و زود سوزیدان  
 شکوفا تر شویم و زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 بر افرازیم پر زور و زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 و زود سوزیدان زود سوزیدان و زود سوزیدان  
 که تا این ناکس سوزیدان و آن سوزیدان و زود سوزیدان

از شرایط مادی که کار از سال روشنی اول نار در باستان را نجلیه زابت می را در سال این روز کانادا به گروه ۱۸۸۹ وزیر کار روز زایه شناختن های کار مهالک میگردد در افق باز در سه که حلقه خواسته خدام د آی- ای در و دربار و شعار بد خوش شده پزاد این مامور روشنفکران زنجیران کشور از تقاب را از پز انداختند از آنجا که ک بوده و درین برای رفح ا مطلوب درم یک ضرورت غیر قابل بدون کار نام ممکن بد نیست تحت نام سحر میگردد که آ میگیرد مثلا عمق زمین و وسایل که ذریعه آمد کار عمل میگردد به شکل بیشتر تولید نام بر وقت کار نمیدرود

صاحب اختیار و مدیر مسئول  
 دکتر و محترم و محترم  
 آدرس: شماره اول چاده هیو زید  
 شماره در پستی تبریزی پانز  
 (۷۱۷۴)  
 حق انتشار  
 قیمت هر شماره در و آفتاب  
 در پنجاه هزار ریال  
 در هر ۱۰۰  
 و در ۱۱۰  
 در ۱۰  
 دولتی مطبوع  
 شماره ۱  
 «تازگی»

خبر نکار از آراس میهد که یوز چهار شصت و ۱۲ حیل یله تق  
 از کارگران فابریکه چنگلک که برای اجرا می شود سوسی از حیل  
 وظیفه خویش بدوی یکی از نمایندگان بود و با وی فابریکه مقابله  
 شد بدون اینکه مراد احترامی را که رئیس فابریکه از کارگران  
 متوقع است بجا آورد خواه داد  
 رئیس فابریکه این حرکت کارگران جزا را نسبت به فرد بی احترامی  
 تلقی کرده بالای دی حمله کرد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد و  
 سپس به مأمورین خود امر کرد که از کار اخراجش کنند  
 شعله چوید این روش جاورا نه را در سلسله تبعیض سوسی که از کار  
 آران خواستار است که برای جلوگیری از سوزی سوسی قانون  
 بکار شونند و نکند از آنکه یکی از سوسی وفاق آرا بود و  
 اجتناف زعامات قرار گیرد